



## فصلنامه پژوهش‌های کاربردی در مشاوره

راهبرد کارآفرینی و توانمندسازی زنان برای توسعه ملی

شهرزاد کاهکش<sup>۱</sup>

۲۶

دوره ۷، شماره ۳، پیاپی ۲۶  
پاییز ۱۴۰۳

مقاله علمی

تاریخ دریافت:  
۱۴۰۳/۰۲/۱۷  
تاریخ پذیرش:  
۱۴۰۳/۰۵/۲۱  
صص: ۱۱۳-۱۲۸

شاپا چاپی: ۵۳۲۲-۲۶۷۶



Q4

### چکیده

کارآفرینی و توانمندسازی زنان از لحاظ فنی به هم مرتبط هستند، هدف این مقاله بررسی راهبرد کارآفرینی و توانمندسازی زنان برای توسعه ملی است. زنان در کشورهای توسعه‌یافته نقش مهمی در توسعه ملی و اقتصادی دارند. با توجه به این موضوع، هدف مقاله این است که چرا زنان به اندازه کافی از اختیارات برخوردار نیستند. چگونه می‌توان آن‌ها را در کشور توانمند کرد. این مطالعه از نظر ماهیت کیفی است. نتایج این مطالعه نشان داد که مطمئناً زنان در کارآفرینی تحت سلطه هستند، زیرا اکثر شرکت‌های تجاری توسط مردان کنترل می‌شوند. در توضیح این مطالعه از نظریه توانمندسازی استفاده شد، این نظریه توسط سارا لانگوه در سال ۱۹۹۰ مطرح شد. اساساً فرض این نظریه بر توانمندسازی زنان و برابری جنسیتی است. هدف این نظریه دستیابی انتقادی به سطح توانمندسازی و توسعه زنان است. فرض این نظریه تضمین فرصت‌های برابر برای زن و مرد برای دستیابی به برابری جنسیتی است. این نظریه به کاهش تفاوت‌های جنسیتی و حفظ دسترسی برابر به آموزش و اقتصاد کمک می‌کند. این مطالعه نشان داد که کلیشه‌های فرهنگی، دسترسی نابرابر به آموزش و سرمایه ناکافی بر کارآفرینی و توانمندسازی زنان تأثیر گذاشته است. با توجه به این موضوع، این مطالعه توصیه می‌کند که دولت باید زنان را از طریق آموزش رایگان و برنامه‌های کسب مهارت، توانمند کند. دولت و مؤسسات مالی باید به زنان وام‌های بلاعوض بدهند تا آن‌ها را برای راه‌اندازی کسب‌وکار توانمند کنند.

**کلیدواژه‌ها:** کارآفرینی، توانمندسازی، زنان، توسعه ملی.

۱. کارشناس ارشد مدیریت آموزشی و کارشناس آموزش دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز، اهواز ایران. (نویسنده

مستول) sh.kahkesh1980@gmail.com

## مقدمه

ایران به‌عنوان کشوری که هم از نظر منابع انسانی و هم منابع مادی برخوردار است، اما متأسفانه حجم زیادی از منابع آن به‌درستی استفاده نمی‌شود. مطالعه‌ای که توسط دانگ<sup>۱</sup> (۲۰۰۷) انجام شد، فاش کرد که در بسیاری از کشورها اگر نیمی از منابع انسانی آن (زنان) به‌اندازه کافی استفاده نشود، نمی‌تواند پیشرفت کنند. با این حال، اعتقاد بر این است که کشور ما از منابع انسانی و مادی برخوردار است؛ بنابراین نیاز به استفاده درست از این منابع موجود است که این امر از طریق کارآفرینی و توانمندسازی زنان محقق می‌شود. نگاهی به جمعیت زنان در کشور و نقش آن‌ها به‌عنوان مادر، سازنده خانه، مدیر خانه، سازمان دهنده جامعه اهمیت این موضوع را روشن می‌سازد. با این حال، آن‌ها به‌اندازه کافی توانمند نیستند که باعث می‌شود بدون وابستگی به همسر، خانواده، والدین و بستگان خود روی پای خود بایستند؛ بنابراین این جوانان و زنان را ترغیب می‌کند تا بی‌معنی در خیابان‌ها بگردند و به دنبال امرارمعاش باشند. با توجه به این نکته است که کمپ‌های آموزش حرفه‌ای برای کسب مهارت‌های لازم برای توانمندسازی جوانان و زنان به کار گرفته شده است. اگرچه، زنان به دلیل ماهیت مردسالارانه منطقه و پیشینه فرهنگی و مذهبی که قدرت زیادی به مردان بر زنان می‌داد، به مسئولیت‌های خانگی محدود می‌شوند. بر این اساس نمی‌توان بر سروصدای کسب مهارت‌ها در کشور تأکید کرد، زیرا تعداد زیادی از مراکز کسب مهارت در سراسر کشور با مجموعه‌های مهارتی برنامه‌ریزی شده برای توانمندسازی جوانان و زنان برای توسعه ظرفیت انسانی متمایز خود برنامه‌ریزی شده است. مطالعه‌ای که توسط لرنکرافت<sup>۲</sup> (۲۰۱۷) انجام شد، فاش کرد که اکثر کشورهای در حال توسعه این راه‌حل ساده توانمندسازی برای آزادی اشتغال را کنار گذاشته‌اند و در عین حال منتظرند تا دولت فرصت‌های شغلی بیشتری ایجاد کند که به سرعت پول به دست بیاورد (ان.جی، وود و باستین<sup>۳</sup>، ۲۰۲۲).

با توجه به مطالب فوق، مشاهده می‌شود که در کشورهای جهان سوم، توسعه کارآفرینی به موضوعی بحث‌برانگیز مرتبط با توسعه اقتصادی و اجتماعی در کشورها تبدیل شده است.

1 Dung

2 Larncraft

3 Ng, Wood & Bastian

علناً اعتقاد بر این است که فقدان کارآفرینی همراه با سرمایه ناکافی، کارکنان متخصص و فن‌آوری از عوامل اصلی یک عقب‌گردی نسبتاً اقتصادی در بیشتر کشورهای در حال توسعه هستند. با درک این موضوع، آموزش در زمینه کارآفرینی به‌عنوان بخش مهمی از برنامه‌های دولت برای حمایت از توسعه شرکت‌های کوچک و متوسط اِ پدیدار شده است، توسعه کارآفرینی زنان در کشورهای در حال توسعه آفریقا و آسیا دارای پتانسیل شگفت‌انگیزی مانند توانمندسازی زنان و تبدیل جامعه برای صلح و توسعه ملی است. تغییر ماهیت دنیای کار در این دوره، نقش برجسته‌ای را که کارآفرینی و توانمندسازی زنان در آموزش و نیروی کار آموزش‌دیده برای فرصت‌های ورود به محیط کار یا حتی ایجاد محیط کار ایفا می‌کند، تأیید کرده است. تغییرات توسعه‌ای در محیط کار در طول زمان، وظیفه کارآفرینی زنان و مؤسسات توانمندسازی زنان را در همگامی با توسعه مهارت‌های اشتغال‌پذیری و آماده‌سازی کارکنان آموزش‌دیده برای دنیای کار، به‌تدریج دشوار و چالش‌برانگیز کرده است. بر این اساس است که سازمان‌های کارآفرینی و توانمندسازی به زنان کارآفرین و توانمندسازی زنان در جهت توسعه ملی و اقتصادی اهمیت بیشتری می‌دهند، این امر کمک زیادی به آمادگی زنان برای کارآفرینی می‌کند. این نکته قابل درک است که زنان در کشورهای توسعه‌یافته نقش مهمی در توسعه ملی و اقتصادی دارند. همان‌طور که گاندی می‌گوید، «تربیت مرد، به‌عنوان تربیت فردی است، درحالی‌که تربیت زن، تربیت خانواده است». بیشتر زنان در موقعیتی نیستند که بتوانند خود را از مرزهای اجتماعی خود بیرون برانند، اما سواد بالاتر زنان به‌عنوان یک درمان مستقل برای بسیاری از مشکلات اجتماعی و اقتصادی در نظر گرفته می‌شود. در نظری مشابه، مشاهده می‌شود که «اگر مردی را آموزش دهید یا توانمند سازید، یک فرد را توانمند می‌کنید، اما اگر زنان را توانمند کنید، کل جامعه را توانمند می‌کنید، زیرا زنان ذاتاً مادر، سازمان‌دهنده جامعه، فعال خانواده و مدیران خانه نیز هستند (آندریاماهری و قمرالزمان، ۲۰۲۲).

در ایران، زنان نیمی از جمعیت را تشکیل می‌دهند، اما آن‌ها به‌اندازه کافی در زمینه کارآفرینی توانمند نیستند، بنابراین نیاز به این امر وجود دارد تا دولت تلاش‌های خود را برای تضمین عدالت جنسیتی و برابری آن‌ها افزایش دهد. همچنین توانمندسازی و کارآفرینی باعث

1 SMEs

2 Andriamahery &amp; Qamruzzaman

بهبود بهزیستی شناختی زنان نیز می‌شود (ابراهیمی و خانجانی وشکی، ۱۳۹۹). مشخص است که اگر زنان از نظر آموزشی حمایت شوند، در زمینه‌های مختلف آموزش ببینند، وام‌ها و اعتبارات بلاعوض برای سرمایه‌گذاری در بنگاه‌های تجاری ارائه کنند و بتوانند برای تجارت کالاهای خود به بازار دسترسی داشته باشند، تولیدات و خدمات خود را گسترش خواهند داد، همچنین می‌توانند گسترش و تنوع را شروع کنند. علاوه بر ارزش افزوده به محصولات خود می‌توانند سرآمد باشند و به رشد و توسعه اقتصادی منطقه و در نتیجه توسعه ملی کمک کنند. اگرچه وضعیت زنان از منطقه‌ای به منطقه دیگر متفاوت است. در ایران، زنان مادر، خانواده-ساز، مدیران خانه، سازمان دهندگان جامعه و همچنین یک فعال خانواده هستند. مطالعه‌ای که توسط موموه<sup>۱</sup> انجام شد، نشان داد که کارآفرینی در حال تبدیل شدن به پایه مهم اشتغال زنان در بسیاری از کشورها است؛ اما این مطالعه نشان داد که سطح مشارکت زنان در جنبش کارآفرینی هنوز به طور قابل توجهی پایین تر از مردان است، زیرا زنان به دلیل جنسیت و ماهیت مردسالارانه کشور به اندازه کافی در زمینه کارآفرینی توانمند نیستند یا آموزش نمی‌بینند. این نشان می‌دهد که شکاف گسترده‌ای در توانمندسازی زنان و شرکت‌هایی وجود دارد که باید پر شود. بر این اساس نیاز به توانمندسازی آنان از طریق کارآفرینی و توانمندسازی زنان در جهت توسعه ملی و اقتصادی وجود دارد. برای غلبه بر این مشکل نیاز به ارائه برنامه‌هایی است که از نظر اقتصادی به توانمندسازی زنان در منطقه کمک کند تا این شکاف‌های جنسیتی انحرافی به حداقل برسد. علاوه بر این، برای توانمندسازی زنان، نیاز به پرداختن به این چهار سطح وجود دارد: بخش دولتی، بخش خصوصی، سازمان‌های چندملیتی و سازمان‌های غیردولتی. بر این اساس مطالعه شایستگی بررسی راهبرد کارآفرینی و توانمندسازی زنان برای توسعه ملی و اقتصادی است (بیرانوند، ۱۳۹۸).

## ۲. اهداف مطالعه

۱. تبیین عوامل مؤثر بر توانمندسازی زنان
۲. تبیین و بررسی راهبردهای توانمندسازی زنان

۳. تبیین و بررسی برنامه‌های اجرایی توسط دولت برای توانمندسازی زنان

### ۳. پیشینه تحقیق

در رابطه با موضوع پژوهش حاضر تحقیقات بسیار زیادی در ملل مختلف و همچنین در داخل کشور انجام گرفته است که اینجا به ذکر چند مورد بسنده می‌کنیم. از جمله نتایج پژوهشان جی، وود و باستین<sup>۱</sup> (۲۰۲۲) با عنوان اصلاح فرآیند توانمندسازی از طریق کارآفرینی زنان در بستر جمعی اظهار داشت که سه جنبه از قدرت که از درون تمایزات به‌عنوان «مثبت» توصیف می‌شوند («قدرت به»، «قدرت با» و «قدرت درون») برخلاف جنبه‌های تأکید شده در ادبیات («قدرت به» و «قدرت در درون») غالب هستند. یافته‌ها شامل توانمندسازی «من» (فرد) نیز به‌طور هم‌افزایی به توانمندسازی «ما» (جامعه)، هنگام بررسی توانمندسازی در یک جامعه جمعی کمک می‌کند. در همین راستا پژوهش القحطانی و فکی زگور<sup>۲</sup> (۲۰۲۲) با عنوان کارآفرینی زنان برای پایداری: بررسی وضعیت، چالش‌ها، محرک‌ها و پتانسیل‌ها در قطر بیان کرد علیرغم حمایت آشکاری که دولت باهدف ترویج مشارکت اقتصادی فعال آن‌ها به‌عنوان بخشی از چشم‌انداز ملی قطر ۲۰۳۰ از آن‌ها ارائه کرده است، پتانسیل کامل زنان برای مشارکت اجتماعی و اقتصادی به دلیل چندین مورد یا مانع مواجه شده یا به‌طور کامل به رسمیت شناخته نشده است. عوامل اجتماعی-اقتصادی در مورد وضعیت درک شده، چالش‌ها و دسترسی زنان کارآفرین در قطر به منابع موردنیاز، مطالعات کمی وجود دارد. این مقاله یک چارچوب مفهومی اولیه را برای رسیدگی به موانع مربوطه و هموار کردن راه برای سیاست‌های مترقی‌تر پیشنهاد می‌کند. نیازهای زنان کارآفرین و ترویج بیشتر توسعه پایدار. همچنین پژوهش ابوشوک و مانا<sup>۳</sup> (۲۰۲۱) با عنوان توانمندسازی زنان و توسعه گردشگری: یک مطالعه بین‌کشوری؛ نتایج این پژوهش نشان داد که ادراک از کار زنان در گردشگری و کارآفرینی زنان پیش‌بینی‌کننده‌های مهمی برای توانمندسازی زنان در بخش گردشگری است. علاوه بر این، نتایج نشان‌دهنده تأثیرات متفاوت توانمندسازی زنان بر توسعه گردشگری در سه کشور است.

1 Ng, Wood & Bastian

2 Al-Qahtani & Fekih Zguir

3 Abou-Shouk & Mannaa

در میان سه کشور عربی که در مطالعه حاضر شرکت کردند، امارات متحده عربی از نظر تأثیر توانمندسازی زنان بر توسعه گردشگری رتبه اول را دارد و پس از آن مصر و سپس عمان قرار دارند. این یافته‌ها پیامدهای مهمی برای توانمندسازی زنان در کشورهای عربی و مسلمان دارد. همچنین پژوهش دیگری توسط الخیال و الشوریده<sup>۱</sup> در سال (۲۰۲۱) با عنوان توانمندسازی زنان در امارات متحده عربی: یک بررسی سیستماتیک انجام شد. از منظر عملی، این مطالعه در حالی حائز اهمیت است که همه عوامل مؤثر بر توانمندسازی زنان در نقش‌های رهبری را خلاصه و ارزیابی می‌کند و تلاش می‌کند مدل مناسبی را برای تعداد زیادی از محرک‌های توانمندسازی زنان در محیط امارات ارائه دهد.

در همین راستا در داخل کشور نیز مطالعاتی در این زمینه انجام گرفته است. از جمله پژوهش حسین‌پر، روستاخیز و آهار (۱۴۰۱) با عنوان بهره‌گیری از مدل‌های نوآوری و کارآفرینی اجتماعی در توانمندسازی زنان - مورد مطالعه: کشور هند که نتایج آن نشان داد بررسی و تحلیل تجربیات کشور هند در حوزه توانمندسازی زنان نشان از توجه به مدل‌های نوآوری و کارآفرینی اجتماعی در سطوح و حوزه‌های مختلف همچون علم و فناوری، اقتصاد و سیاست، ارتباطات و... دارد. همچنین مختارپور و شورج (۱۴۰۱) پژوهشی با عنوان طراحی مدل کارآفرینی بر اساس توانمندسازها برای ایران انجام دادند که نتایج آن نشان داد که عوامل زمینه‌ای و بهره‌گیری از مزایای جهانی شدن در سطح ۱ و عوامل فرهنگی در سطح ۶ قرار گرفته‌اند. همچنین نتایج مربوط به فرضیه‌های فرعی نشان داد که تمام ابعاد توانمندسازهای کارآفرینی بر عملکرد کارآفرینانه تأثیرگذار هستند. از طرفی صیامی و ستاری وند (۱۴۰۰) مطالعه‌ای با عنوان تحلیل استراتژیک از راهبردهای توانمندسازی زنان سرپرست خانوار در سکونتگاه‌های غیررسمی با تأکید بر کارآفرینی انجام دادند. نتیجه این پژوهش گویای این امر است که از میان راهبردهای متنوع در توانمندسازی بانوان سرپرست خانوار گسترش کارگاه‌های کسب‌وکار زنان با ضریب جذابیت ۶.۶۵، ارتقا انسجام اجتماعی و شبکه روابط بانوان با ضریب جذابیت ۶.۴۸ و جذب سرمایه‌گذاری و ارائه تسهیلات با ضریب جذابیت ۶.۲۹ و حمایت از خوداشتغالی زنان سرپرست خانوار با ضریب جذابیت ۶.۱۷ بیش از دیگر

1 Al Khayyal & Alshurideh

استراتژی‌ها می‌تواند به توانمندسازی مؤثرتر زنان سرپرست خانوار و قدرت‌یابی آن‌ها در تأمین معیشت پایدار و مدیریت مناسب‌تر خانواده‌های آنان کمک کند. رئیسی (۱۳۹۸) پژوهشی با عنوان توانمندسازی زنان بلوچ با رویکرد کارآفرینی اجتماعی انجام داد. نتایج این پژوهش نشان داد شرایط ساختاری مناسب، نیروی انسانی کارآمد، تفکر فراجنسیتی، تسهیل وام کارآفرینی، همکاری نهادهای مختلف، عدم ثبات اقتصادی، نداشتن تجربه کاری، ایده‌های نوآورانه، تغییر ظرفیت‌های موجود، توانمندسازی پایدار، می‌توانند بازتعریف‌کننده جایگاه زنان باشند.

#### ۴. مواد و روش‌ها

این پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش، توصیفی است. ابزار گردآوری اطلاعات نیز روش کتابخانه‌ای بود. در تحقیق توصیفی، جامعه، شرایط و پدیده‌ها به‌طور صحیح و سیستماتیک توصیف می‌شوند. هنگامی که هدف پژوهش، شناسایی مشخصه، تکرار، همبستگی و طبقه‌بندی متغیرهاست، تحقیق توصیفی انتخاب مناسبی محسوب می‌گردد. تحقیق توصیفی به‌عنوان یک روش تحقیق تعریف می‌شود که ویژگی‌های جمعیت یا پدیده مورد مطالعه را توصیف می‌کند. این روش بیشتر بر «چگونگی» موضوع تحقیق تمرکز دارد تا «چرایی» موضوع تحقیق. کلیه منابع در دسترس با استفاده از کلمات کلیدی مناسب در این مقاله توصیفی آورده شده است.

#### بحث و نتیجه‌گیری

این مطالعه از چند جهت بسیار حائز اهمیت است زیرا به حوزه ادبیات موجود در زمینه کارآفرینی و توانمندسازی زنان کمک می‌کند و به زنان، سازندگان و همچنین جامعه در کل کمک می‌کند تا احساس توانمندی خود را توسعه دهند. نتیجه این تحقیق با گسترش به سازمان‌های دولتی و سازمان‌های غیردولتی در تدوین سیاست‌های مناسب کمک می‌کند که مهارت‌های کارآفرینی را در میان زنان را تشویق و ترویج کنند. زنان یک خانواده تجاری به‌آسانی از قدردانی اجتماعی برخوردار می‌شوند، اما کسانی که کارآفرینی جدیدی را معرفی

می‌کنند برای شروع کسب‌وکار با مشکلات متعددی روبرو می‌شوند؛ بنابراین، پذیرش اجتماعی باید به زنان جوان کارآفرین برای اطمینان خاطر آنها ارائه شود. باین‌حال، مؤسسات مالی، اعضای خانواده، بستگان و دوستان مطمئن نیستند که حمایت مالی را برای زنان مشتاق کارآفرین گسترش دهند. برای حمایت از این امر، سازمان‌های دولتی و سازمان‌های مالی نیاز به تغییر دیدگاه خود در مورد توانایی زنان کارآفرین خوش‌فکر دارند. تحت بررسی ادبیات، کتاب‌های مربوطه، مجلات، روزنامه‌ها، مقالات کاری، گزارش‌ها به‌طور سیستماتیک در توضیح مقاله بررسی شدند. مطالعه‌ای که توسط رنو و رنو<sup>۱</sup> انجام شد، بر این باور بود که توانمندسازی زنان فرآیندی است که در آن روابط قدرت نابرابر بین زن و مرد مخدوش می‌شود و زنان برابری بهتری را با مردان افزایش می‌دهند: به‌عبارت‌دیگر، این روشی است که محدودیت‌های اجتماعی و آداب‌ورسوم اجتماعی را برای زنان به چالش می‌کشد. موانعی بر سر راه پیشرفت آنها هستند تا سطح اعتماد به‌نفس آنها افزایش یابد و همچنین بتواند به توسعه ملت کمک کند و در زندگی سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در سطح محلی، منطقه‌ای و ملی سهمیم باشد (نوردبو<sup>۲</sup>، ۲۰۲۲).

منظور ما از توانمندسازی زنان، موقعیت اجتماعی بی‌طرفانه‌تر برای زنان در جامعه است. زنان کارآفرین به مجموعه‌ای از زنان گفته می‌شود که یک بنگاه اقتصادی را معرفی، تأسیس و راه‌اندازی می‌کنند. به همین ترتیب، دولت‌ها، کارآفرینان را به‌عنوان شرکتی تحت مالکیت و کنترل زنان تعریف کرده است که حداقل بهره مالی ۵۱ درصد از سرمایه را دارند و حداقل ۵۱ درصد از اشتغال ایجادشده در شرکت را به زنان اختصاص می‌دهند. آنها فاش کردند که زنان کارآفرین به دلیل عوامل فشار و کشش که زنان را به داشتن یک شغل مستقل ترغیب می‌کند و روی پای خود می‌ایستند به تجارت مشغول می‌شوند. زنان کارآفرین تحت تأثیر این عوامل، حرفه‌ای را به‌عنوان یک چالش و به‌عنوان انگیزه برای انجام کاری جدید انتخاب می‌کنند. چنین وضعیتی به‌عنوان عوامل کششی توصیف می‌شود. درحالی‌که در عوامل فشار، زنان به دلیل اجبار خانوادگی و مسئولیتی که بر دوش آنها گذاشته‌شده بود به فعالیت‌های تجاری می‌پرداختند. باین‌حال، مطالعه‌ای که توسط موموه انجام شد، بررسی کرد

1 Renu and Renu

2 Nordbo

که نظرات/شخصیت‌ها، خواسته‌ها، چشم‌اندازها، اهداف و رؤیاهای کارآفرینانه زنان روستایی که برای اتحاد انتخاب می‌کنند و تعاونی‌های روستایی زنان را پیدا می‌کنند (فابیان و اوکپاناکي<sup>۱</sup>)، (۲۰۲۲).

در یک توسعه مرتبط، نشان داده شد زنان عمدتاً مسئول کارهای خانگی هستند در حالی که حوزه مردان دنیای عمومی است. رشد همه‌جانبه زنان به‌عنوان شهروند، کارگر و مادر لازمه توسعه کشور است. همچنین زنان معمولاً از مشارکت در تصمیماتی که بر زندگی آن‌ها تأثیر می‌گذارد، کنار گذاشته می‌شوند. توانمندسازی زنان یکی از موضوعاتی است که در عرصه سیاسی و اجتماعی به‌شدت مورد بحث قرار گرفته است. دانشمندان علوم اجتماعی در دوره‌های اخیر در این مورد حرکت کرده‌اند. توانمندسازی به‌عنوان فرآیند انگیزشی ضروری دانش فرد از احساس توانمندی تعریف می‌شود. توانمندسازی مربوط به اعطای اختیار برای اعمال اختیار شخصی در مورد رفتار خود در محل کار است. یک دیدگاه موافق وجود دارد که توانمندسازی یک فرآیند است و نه یک هدف. کارآفرینی زنان نقش مهمی در توسعه اقتصاد ملی در سطح جهانی ایفا می‌کند و با وجود اینکه عموماً به‌عنوان یک فعالیت مردانه در نظر گرفته می‌شود، مطالعات متعددی بر اهمیت مشارکت زنان در توسعه ملی تأکید کرده‌اند. توانمندسازی زنان بیان جدیدی در زبان ادبیات جنسیت است. این عبارت در دو معنای جامع، عام و خاص به معنای عام به کار می‌رود، به معنای توانمندسازی زنان برای وابسته شدن به خود از طریق دسترسی آن‌ها به تمام آزادی‌ها و فرصت‌هایی است که در گذشته به دلیل وجودشان از آن‌ها محروم بودند. زن. در معنای دقیق، توانمندسازی زنان به معنای ارتقای جایگاه آنان در ساختار قدرت جامعه است (گاتو و دراگو<sup>۲</sup>، ۲۰۲۱).

باین حال، زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی چالش‌های خاصی را برای زنان کارآفرین در ایران ایجاد می‌کند که معمولاً در سایر نقاط جهان مشاهده نمی‌شود. تحقیقات کمی در مورد استراتژی کارآفرینی و توانمندسازی زنان در ایران انجام شده است زیرا بیشتر تحقیقات قبلی در مورد کارآفرینی زنان بر کشورهای غربی یا توسعه‌یافته متمرکز شده است. به همین ترتیب، کارآفرینی از همان سنین پایین پدیده‌ای تحت سلطه مردان بوده است، اما زمان

1 Fabian & Okpanaki

2 Gatto & Drago

شرایط را تغییر داده و زنان به‌عنوان فراموش‌نشده‌ترین و محرک‌ترین کارآفرینان امروزی معرفی شده‌اند. تقریباً در تمام کشورهای توسعه‌یافته جهان، زنان در حال رقابت با مردان در همه بخش‌های تجاری هستند. توانمندسازی زنان بر عوامل خاصی وابسته به مدیریت خانگی و ارتقای اجتماعی است. از آنجایی که به کاهش فقر کمک می‌کند، اهداف توسعه هزاره را می‌توان درک کرد. به‌احتمال زیاد زنان درآمد خود را صرف سلامت جسمانی خانواده، نیازهای غذایی خانواده و تحصیل فرزندان می‌کنند. مطمئناً توانمندسازی زنان بر فرزندان و خانواده در تأمین غذا، هزینه‌ها و رفاه تأثیر می‌گذارد. توانمندسازی زنان به معنای توانایی زنان برای مشارکت برابر در نظام‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی یک ملت است. اگرچه اقتصاد جهان به سمت اقتصاد جهانی پیش رفته است، اما در کشورهای صنعتی و در حال ظهور، زنان برای نسل‌ها در همه جنبه‌های زندگی مسدود شده‌اند.

علاوه بر این، مهارت، دانش و سازگاری در کسب‌وکار، دلایل کلیدی برای مشارکت زنان در سرمایه‌گذاری‌های تجاری است. زن کارآفرین فردی است که نقش چالش‌برانگیز را می‌پذیرد تا نیازهای شخصی خود را برآورده کند و از نظر اقتصادی مستقل شود. همچنین زنان کارآفرین از توانمندی و خودکارآمدی بالاتری برخوردارند (قاسمی و شفیع‌آبادی، ۱۴۰۰). میل شدید به انجام کاری مثبت، ویژگی درونی زنان کارآفرین است که می‌تواند ارزش‌ها را هم در زندگی خانوادگی و هم در زندگی اجتماعی به اشتراک بگذارند. در رابطه با موارد فوق، مطالعه‌ای مشاهده می‌شود که زنان در کشورهای توسعه‌یافته به‌طور فزاینده‌ای در توسعه اقتصادی کشورهای خود سهیم هستند و درعین حال برای تأمین معاش اعضای خانواده خود نیز تلاش می‌کنند. یک ضرب‌المثل چینی می‌گوید که «زنان نیمی از آسمان را در دست دارند» و سازمان توسعه صنعتی ملل متحد (یونیدو) برای کمک به درک کامل پتانسیل اقتصادی خود، به زنان در کشورهای در حال توسعه دانش، مهارت و فناوری ارائه می‌دهد تا آن‌ها بتوانند در فعالیت‌های پرتلاشی که آن‌ها را در جامعه وابسته می‌کند مشارکت کنند. در ایران زنان نیز در صورت داشتن دانش و مهارت‌های لازم، مانند برنامه کسب مهارت، می‌توانند عملکرد بهتری داشته باشند. باین‌وجود، شرکت‌های اجتماعی که برای توانمندسازی زنان کار می‌کنند باید بر خلق ارزش و جذب تمرکز کنند. در یک توسعه مرتبط، مطالعه‌ای نشان داد که هیچ شانس

برای زنان روستایی وجود ندارد که رویدادهای خود را انجام دهند یا خودشان پول به دست آورند. به‌عنوان مثال، در منطقه چوگوکو ژاپن، زنان در گذشته نمی‌توانستند حقوقی داشته باشند، زیرا سیستم بازاریابی کنترل فروش را به زنان نمی‌داد و همیشه ممکن بود سود کاملی برای کالاهای خود به دست نیاورند، زیرا درآمد داخلی صرفاً از بین می‌رود. برنامه کسب مهارت یک طرح توسعه پایدار جوانان است که برای رسیدگی به یکی از ارکان اصلی مسئولیت اجتماعی شرکت طراحی شده است (کیمبو و همکاران، ۲۰۱۹).

توسعه محلی و اقتصادی در این برنامه، خاطرنشان می‌شود که جوانان و زنان کمتر ممتاز جوامع میزبان آن، از فراخوان‌های ماهر و توانمندی به انتخاب خود برخوردارند که شامل، اما نه محدود به جوشکاری و ساخت، ساخت مبلمان، مد و طراحی، مطالعات کامپیوتری، هنر مو و زیبایی و ... پرورش ماهی/کشاورزی می‌شود. در کشورهای در حال توسعه در سراسر جهان، تعداد بی‌ظیری از زنان وارد دنیای کارآفرینی می‌شوند. علیرغم تحقیقات قابل توجه در مورد کارآفرینی دانشگاهی، کارآفرینی زنان به‌طور کلی و علل عدم حضور دانشمندان زن در مؤسسات دانشگاهی، مطالعات کمی در مورد کارآفرینی و توانمندسازی زنان انجام شده است. اگرچه مطالعات نشان داد که زنان به‌اندازه کافی در شرکت‌های تجاری توانمند نیستند، این مطالعات برای توضیح دلایل کارآفرینی و توانمندسازی زنان ناکافی است. به‌این ترتیب، شکاف بزرگی در مطالعه راهبرد کارآفرینی و توانمندسازی زنان وجود دارد؛ بنابراین، این مقاله شایسته بررسی جایگاه توانمندسازی و کارآفرینی زنان به‌عنوان راهبردی برای توسعه ملی است تا خلأ موجود در ادبیات را پر کند.

### پیشنهادها

با توجه به آنچه گفته شد توانمندسازی چیزی است که از بخشی به بخش دیگر جامعه قابل تغییر است. دولت برنامه توانمندسازی خود را آغاز کرده است و سیاست‌های بسیاری را برای توانمندسازی زنان انجام می‌دهد، اما دستاورد واقعی کاملاً به ما بستگی دارد. با عنایت به نتایج مطالعات انجام‌شده، روش‌هایی برای توانمندسازی زنان پیشنهاد می‌گردد که عبارت‌اند از:

آموزش، ظرفیت‌سازی، توسعه مهارت، فرآیند توسعه مشارکت و اعطای خودمختاری به زنان. همچنین پیشنهادهایی به شرح ذیل ارائه می‌گردد:

برای توانمندسازی زنان برای کارآفرینی، نیاز به حمایت از بخش‌هایی وجود دارد که در آن زنان کارگر و تاجر تسلط دارند تا دستمزد، شرایط کار و ایمنی بهبود یابد و تفاوت‌های جنسیتی حذف شود. راهبرد دیگر حمایت از زنان و دختران است، از طریق توانمندسازی آن‌ها دقیقاً برای کسانی که محروم هستند برای یادگیری تجارت و مهارت‌های حرفه‌ای. از آنجایی که زنان ایرانی نقش مهمی ایفا می‌کنند، نیاز به کمک به آن‌ها برای مشارکت در زنجیره‌های ارزش جهانی وجود دارد. یک سیاست یا سازوکار مهم دیگر برای توانمندسازی و کارآفرینی زنان، ارتقای مزایای برنامه‌های حمایت اجتماعی هدفمند و عادلانه مؤثر برای توانمندسازی زنان است. یکی دیگر از مکانیسم‌های کارآفرینی و توانمندسازی زنان، حمایت از زنان برای دستیابی به منابع و نوآوری‌ها برای افزایش تولید و درآمد کشاورزی است. سیاست‌های کارآفرینی و توانمندسازی زنان، گسترش بخش آموزشی برای زنان و دختران با اولویت نگهداری مدارس و آموزش با کیفیت برای دختران است. یکی دیگر از مکانیسم‌های کارآفرینی زنان، ارتقای پیشرفت زنان در سازمان‌های دولتی و خصوصی است.

همچنین این مقاله توصیه می‌کند که در سیاست‌گذاری به موضوعات توانمندسازی زنان توجه و اهمیت بیشتری داده شود. این را می‌توان از طریق طرح‌های مالی خرد که در نتیجه آن زنان را توانمند می‌کند، محقق کرد؛ اما ضرورت بی‌شماری از آن برنامه‌ها وجود دارد که دقیقاً برای پایداری مالی زنان برنامه‌ریزی شده است.

- برای تسریع در رشد طرح پاران به بهره کارآفرینی زنان باید توسط دولت متعهد شود تا زنان جوان کارآفرین را متقاعد کند تا از خدمات وام از سازمان‌های پولی بهره‌مند شوند.
- برای توانمندسازی زنان، دولت باید به درستی سیاست‌ها را در مورد برنامه‌های فقرزدایی در سراسر جهان اتخاذ کند، این به توانمندسازی زنان برای تبدیل شدن به شغل کمک می‌کند.
- زنان باید تشویق شوند تا در مسیر شغلی انتخابی قدم بگذارند که در نهایت باعث اعتماد به نفس و توانمندی آن‌ها می‌شود و باید دسترسی آسانی به کسب مهارت‌ها و منابع اقتصادی داشته باشند.

- زنان به اندازه کوچکی در ساختمان ملی مشارکت نمی‌کنند، زمان آن فرا رسیده است که افراد را بدون توجه به تفاوت‌های جنسیتی یکسان به رسمیت بشناسند درحالی که سازمان‌های مالی باید به زنان وام‌های بلاعوض بدهند. این به آن‌ها کمک می‌کند تا بتوانند انتظارات را برآورده کنند.
- زنان باید سعی کنند در زمان‌های در حال تغییر با استفاده از آخرین مزایای فناوری، خود را ارتقا دهند.
- دولت باید به زنان کمک کند تا بخشی از تیم منابع انسانی تأمین مالی خرد شوند و سازمانی را که از آن حمایت می‌کند تشویق کند.
- زنان باید به‌طور مداوم آموزش ببینند و آموزش ببینند تا مهارت‌ها و دانش را در تمام زمینه‌های عملکردی مدیریت کسب‌وکار کسب کنند. این می‌تواند زنان را برای برتری در فرآیند تصمیم‌گیری و توسعه یک شبکه تجاری خوب تسهیل کند.

## فہرست منابع

- ابراہیمی، اکرم و خانجانی وشکی، سحر (۱۳۹۹). اثربخشی آموزش رویکرد مبتنی بر تحلیل رفتار متقابل بر بہزیستی روان‌شناختی زنان متأهل خمینی‌شہر. *فصلنامہ پژوهش‌های کاربردی در مشاورہ*، ۳(۴)، ۶۷-۸۵.
- بیرانوند، فروزان (۱۳۹۸). نقش زنان از لحاظ عوامل راہبردی برای توسعه اجتماعی و توانمندسازی و ساماندہی در مناطق محروم شہری (حاشیہ‌نشین)، دومین ہمایش بین‌المللی افق‌های نوین در علوم پایہ و فنی و مہندسی، تہران.
- حسین بر، محمدعثمان؛ روستاخیز، بہروز؛ آہار، سمیرا (۱۴۰۱). بہرہ‌گیری از مدل‌های نوآوری و کارآفرینی اجتماعی در توانمندسازی زنان - مورد مطالعہ: کشور ہند، *تداوم و تغییر اجتماعی*، ۱(۱)، ۲۳-۴۲.
- رئیدی، سمیہ (۱۳۹۸). توانمندسازی زنان بلوچ با رویکرد کارآفرینی اجتماعی، سومین ہمایش ملی روانشناسی، تعلیم و تربیت و سبک زندگی، قزوین.
- صیامی، قدیر؛ ستاری وند، ملیحہ (۱۴۰۰). تحلیل استراتژیک از راہبردهای توانمندسازی زنان سرپرست خانوار در سکونتگاہ‌های غیررسمی با تأکید بر کارآفرینی، *زن در توسعه و سیاست*، ۱۹(۳)، ۴۰۵-۴۲۷.
- قاسمی، مرجان و شفیع‌آبادی، عبداللہ (۱۴۰۰). اثربخشی آموزش نظریہ انتخاب بر خودکارآمدی و شادکامی زنان مراجعہ‌کنندہ سرای محلہ منطقہ ۶ شہر تہران. *فصلنامہ پژوهش‌های کاربردی در مشاورہ*، ۴(۴)، ۴۷-۶۷.
- مختارپور، داوود؛ شورج، فردین (۱۴۰۱). طراحی مدل کارآفرینی بر اساس توانمندسازها برای ایران، سامانہ مدیریت نشریات علمی، *اقتصاد مالی*، ۱۶(۵۹)، ۱۵۵-۱۷۸.

Abou-Shouk, M. A., Mannaa, M. T., & Elbaz, A. M. (2021). Women's empowerment and tourism development: A cross-country study. *Tourism management perspectives*, 37, 100782.

Al Khayyal, A. O., Alshurideh, M., Al Kurdi, B., & Salloum, S. A. (2021). Women empowerment in UAE: A systematic review. In *Proceedings of the International Conference on Advanced*

- Intelligent Systems and Informatics 2020 (pp. 742-755).  
*Springer International Publishing.*
- Al-Qahtani, M., Fekih Zguir, M., Al-Fagih, L., & Koç, M. (2022). Women entrepreneurship for sustainability: *Investigations on status, challenges, drivers, and potentials in Qatar. Sustainability*, 14(7), 4091.
- Andriamahery, A., & Qamruzzaman, M. (2022). Do access to finance, technical know-how, and financial literacy offer women empowerment through women's entrepreneurial development?. *Frontiers in Psychology*, 12, 776844.
- Dung, P. (2007). Gender issues in the nigerian trade union movement. *Labour Law Review*. 1(2):108-24.
- Fabian, A. A., & Okpanaki, I. (2022). Microfinance financial strategies and business growth of women entrepreneurs in Gboko, *Benue State Nigeria. Asian Journal of Economics, Business and Accounting*, 22(5), 69-80.
- Gatto, A., & Drago, C. (2021). When renewable energy, empowerment, and entrepreneurship connect: *Measuring energy policy effectiveness in 230 countries. Energy Research & Social Science*, 78, 101977.
- Kimbu, A. N., Ngoasong, M. Z., Adeola, O., & Afenyo-Agbe, E. (2019). Collaborative networks for sustainable human capital management in women's tourism entrepreneurship: The role of tourism policy. *Tourism Planning & Development*, 16(2), 161-178.
- Learncraft. (2017). Skills acquisition and entrepreneurship training In Nigeria.
- Ng, P. Y., Wood, B. P., & Bastian, B. L. (2022). Reformulating the empowerment process through women entrepreneurship in a collective context. *International Journal of Entrepreneurial Behavior & Research*, 28(9), 154-176.
- Nordbø, I. (2022). Female entrepreneurs and path-dependency in rural tourism. *Journal of Rural Studies*, 96, 198-206.
- Renu Jatana, David Crowther. Corporate social responsibility and the empowerment of women: An Indian perspective. *Social Responsibility Journal*. 2007;3(4):40-48.

DOI:<http://dx.doi.org/10.1108/MRR-09-2015-0216>.